



پرچم نوروز

پرچم نوروز، ابتکار وزارت اطلاعات و فرهنگ در سال ۱۴۰۰ خورشیدی است. بال‌های عقاب از خوشه گندم است و چهارده ستاره نماد چهارده کشور در جغرافیای فرهنگی نوروز است. گل لاله و سبزه‌ی نوروزی بخشی از این طرح است. «نوروز باستان» پاهای عقاب را شکل می‌دهد. خورشیدی که از پشت گردن عقاب طلوع کرده، نشان‌زایش و نوشدن است.



بازتاب تمام رخ زنان

سال چهارم • شماره ۱۳۳ • چهارشنبه ۲۷ حوت ۱۳۹۹

نرم نرم می‌رسد اینک بهار



نخستین جشن ملی نوروز در افغانستان

زنان؛ خالقان خوان نوروز



تاج بیگم که بود؟



آیا عدالت برای زنان افغانستان

با فرخنده دفن شد؟



وضعیت رو به بهبود زنان جهان

و حذف هدفمند زنان افغانستان



پیوند زن و نوروز

(بررسی نوروز در افغانستان، تاجیکستان و ایران)



خاطرات یک خبرنگار زن

زندگی روی جاده پراز ماین





● **حسین احمدی**

گفت‌وگو کننده

گفت‌وگو با عبدالمنان شیوای شرق، معین نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ و رئیس کمیسیون برگزاری جشن ملی نوروز **شیوای شرق**: آیین نوروزی و جشن کهن نیاکان ما که ریشه در حوزه تمدنی ما دارد، بیش از ۴۱ کشور پرچمدار برگزاری این جشن باستانی است. ریشه‌های تاریخی این جشن برمی‌گردد به آیین جمشیدی، در دوره‌های جمشید و یما از پادشاهان آریانا که تخت‌نشینی و برگزاری جشن نوروز در آغاز سال صورت می‌گرفت. «نوروزنامه» که حکیم عمر خیام نوشته ادعایی بر این جشن کهن و تمدنی ماست.

● **دولت افغانستان برای نخستین بار تصمیم گرفته که جشن ملی نوروز را برگزار کند، برنامه از چه قرار است؟**
«جشن ملی نوروز» در ۳۴ ولایت افغانستان به گونه رسمی از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ برگزار می‌شود که من مسئولیت رهبری کمیسیون برگزاری این جشن را دارم. ما در این جشن هیأت‌های خارجی در سطح کوردیپلوماتیک نیز خواهیم داشت.

در نخستین روز نوروز در ارگ ریاست جمهوری؛ سفره‌ی هفت‌سین پهن می‌شود، سمنک می‌پزیم و پرچم نوروز که از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ طراحی شده فراز خواهد شد.

جشن سمنک‌پزی با حضور رئیس‌جمهور و چهارصد مهمان شامل اعضای کابینه، رهبران نهادهای دولتی و مهمانان خارجی و شهروندان کشور، برگزار می‌شود که نمایشگاه صنایع دستی زنان بخشی از این برنامه است تا آفریده‌های هنری زنان این سرزمین را به نمایش بگذاریم. هم‌چنین در این روز در شهر مزار شریف مراسم جهنده بالا کردن در مزار سخی صورت می‌گیرد که معروف به «مبله گل سرخ» است.

در هر شهر یک چهارراهی با طراحی نوروز و پیام بهاری مزین می‌شود. ما در همکاری با ارگان‌های محلی در ۳۴ ولایت کشور جشن نوروزی را با برگزاری نمایشگاه صنایع دستی، دسترخوان ملی برای نمایش غذاهای محلی و برنامه‌های فرهنگی و هنری شامل رقص و موسیقی، نمایشنامه و تیاتر، شب شعر و… بزرگداشت می‌کنیم.

در کابل، کمی این جشن باشکوه‌تر خواهد بود. در تمامی نواحی کابل پرچم نوروز برافراشته می‌شود، بر فراز تپه‌های کابل آتش‌بازی به راه انداخته می‌شود، ۲۱ نهاد دولتی برای برگزاری این جشن سهم می‌گیرند. نمایشگاه‌های صنایع دستی، نمایش لباس، نمایشگاه کتاب، رقص و موسیقی، پارچه تمثیلی، نهال‌شانی و نمایش‌های رزمی و ورزشی، بخشی از برنامه‌های جشن ملی نوروز ۱۴۰۰ خورشیدی

☆ **رویکرد نیمرخ**

درس‌های سال ۱۳۹۹

سالی که گذشت با دردها و داغ‌های بسیاری برای جامعه زنان افغانستان همراه بود، ما در این شماره نیم‌رخ گوشه‌هایی از این دردها و داغ‌ها را نشان دادیم. ما در سال ۹۹

درس‌های بسیاری برای آموختن داشتیم. ما آموختیم که آوردن سمبولیک زنان در پست‌های بلندپایه مدیریتی، نمی‌تواند ما را به حقوق از دست‌رفته‌مان برساند، زنان سمبولیک می‌توانند صدای زنان را در گلو خفه کنند، ما آموختیم که باید سهم زنان فرهیخته با دغدغه‌های حقوق زنان را در سطوح عالی مدیریتی و رهبری مطالبه کنیم. ما نیاز به رنگینه‌های هم‌جنس خود نداریم که صرفا بخاطر جنسیت زنانه‌اش از سهم ما رهبری یک وزارت را برعهده بگیرد و برای خفه کردن صدای زنان آینده برنامه‌ریزی کند. ما آموختیم که تنها اسلحه بردوش کشیدن و ریش گذاشتن نمی‌تواند مشخصه نگاه افراطی دینی و طالبانی باشد. ذهنیت طالبانی امروز مرز لباس و اندازه ریش و برقع را درنوردیده و در فکر آن نکتایی پوشان و زنی که برقع ندارد، نیز حضور دارد. ما بدیدیم و آموختیم، در جامعه‌ای که فضا برای تفکر افراطی دینی باز شود، حقوق اولیه انسانی ما زنان، بزرگترین قربانی این تفکر است، گویی دیواری کوتاه‌تر از دیوار حقوق انسانی زنان در معادله افراط‌گرایی دینی وجود ندارد.

ما زنان آموختیم که در پای معادلات سیاسی کنونی تنها هستیم، همچنان که در خیابان‌های شهر در بطن تهدیدات تنها هستیم. ما آموختیم که وقتی صدای طالبان در دوحه قطر بلند می‌شود، کسانی هستند که قبل از آمدن طالبان، جامعه را به سمت و سوی افراط‌گرایی می‌کشاند. ما آموختیم در این وضعیت، حرکت‌های مقطعی برای زنان، نه تنها سودی به حال ما ندارد، بلکه ما را به بن‌بست حرکت‌های موثر برای زنان می‌کشاند. در سال جدید با این آموخته‌ها تلاش کنیم که صفحه جدیدی در تاریخ مبارزات زنان در سال جدید رقم بزنیم.

نخستین جشن ملی نوروز در افغانستان

زنان؛ خالقان خوان نوروز



شده‌اند. فرار است چرخبال‌های ارتش ۵۰ هزار برگه تبریکی نوروز را از فضای شهرها برای مردم پرتاب کند.

مخالفت‌ها علیه جشن نوروز با توجه دینی در افغانستان بی‌پیشینه نیست؛ آیا رسمی شدن این جشن از سوی دولت صدای مخالفان را خاموش خواهد کرد؟

با رویکرد مذهبی اگر نگاه کنیم، یک جشن باستانی که جزئی از ارزش‌های فرهنگی مردم است هیچ تضادی با نصوص دینی ندارد. یک کتاب در باب نوروز از خواجه بشیراحمد انصاری چهار روز پیش از نوروز رونمایی می‌شود. آقای انصاری در این کتاب به صورت مستند ثابت می‌کند که جشن نوروز و احکام دینی اصلاً در تضاد نیست، بلکه دین اسلام به فرهنگ‌های بومی احترام می‌گذارد، همچنان که خلیفه چهارم اسلام احترام گذاشت. در دوران علی، جشن باستانی نوروز در سرزمین ایران کنونی بزرگداشت شده و برگزاری این جشن سبب شده که هدیه‌ی گرانبهایی از سوی حضرت علی به اشتراک‌کنندگان این جشن پیشکش شود.

کسانی که از آدرس دین بر آیین نیکوی نوروز می‌تازند، من به عنوان دانش‌آموخته علوم دینی و دانشگاهی و اکنون از مقام معینیت وزارت اطلاعات و فرهنگ و ریاست کمیسیون برگزاری جشن ملی نوروز می‌خواهم بگویم که با دید کج‌بینانه به نوروز می‌نگرند.

«يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوْلَ خَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ» در واقع پیام رستن و نوشگفتن و بهار و تازگی است.

همانطور که نوروز در ایران، تاجیکستان، ازبیکستان، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و دیگر کشورهای درفش‌دار این آیین باستانی سبب همگرایی شده، در افغانستان نیز

تاج‌بیگم که بود؟

- **لشکر امیر عبدالرحمان وقتی اسیران هزارهٔ دای چوپان را**

از مسیر «بابه» به سمت «پیدگه» و «سنگماشه» در جاغوری می‌برند، به کمین مردانی از این مردم در «دراز قول بابه» برمی‌خورند. در این نبرد، افراد زیادی از لشکریان امیر کشته می‌شوند و فرمانده سپاه امیر به نام «ادم‌خان» زخم برمی‌دارد. در میانهٔ نبرد، زنانی چندی در چند نقطهٔ کوه آتش روشن می‌کنند و شروع به فریاد و تیراندازی می‌کنند. برافروخته‌شدن آتش و هیاهوی زنان که فریاد می‌زدند: «حمله کنید، حمله کنید»، سپاهیان امیر را به وحشت می‌اندازد. نظم لشکر فرومی‌ریزد و کمین‌کنندگان هزاره با حمله و گریز موفق می‌شوند که اسیران هزاره را از چنگ سپاهیان رها کنند و به سمت کوه فرار کنند.

لشکریان امیر که نگران کمین‌های دیگر بودند، به بابه می‌گردند؛ اما در مسیر برگشت به گروه دیگری از سربازان و اسیران برمی‌خورند که به سمت سنگماشه در حرکت بودند. سپاهیان شکست‌خوردهٔ امیر با کمک گروه دیگری از لشکریان، دوباره به طرف سنگماشه حرکت می‌کنند. آنان وقتی به دراز قول می‌رسند، دوباره به کمین مردان جنگ‌جوی هزاره می‌خورند و پس از نبرد پراکنده و جنگ و گریز، موفق می‌شوند که کمین‌کنندگان را فراری بدهند و به سمت سنگماشه حرکت کنند. آنان شب را در پیدگه می‌مانند و نیمه‌های شب با شب‌خون مردان هزاره از خواب بیدار می‌شوند و با آشفتنگی تمام به جنگ می‌پردازند. در این نبرد چند تن از مردان هزاره دستگیر می‌شوند و دیگران موفق به فرار می‌شوند. وقتی اسیران را به خیمهٔ فرمانده لشکر می‌برند، متوجه می‌شوند که یکی از اسیران زن است. فرمانده، دستورگردن زدن اسیران را می‌دهد؛ اما زن را به خاطر شجاعت و نگاه‌های تند و نترس او، نگه می‌دارد. فردا که آفتاب سر می‌زند، زن را برای تحقیق می‌آورد. زن اسیر شده می‌گوید که از من چیزی دستگیرتان نمی‌شود؛ اما تعجب من از این است که امیر لشکر، خود را مرد می‌خواند و یک زن را زیر فشار قرار می‌دهد تا راز مردان شکاری را بداند. آیا این برای فرمانده لشکر سرشکستگی نمی‌آورد؟ اگر امیر این قدر شجاع است، دستنام را باز کند و اجازه بدهد که با ایشان مبارزه کنم. اگر امیر، پیروز شد من را بکشد و اگر من پیروز شدم، رهایم کند. فرمانده لشکر امیر از این مبارزه‌طلبی برآشفته می‌شود و دستور می‌دهد که دست زن اسیر را باز کند. وقتی دست زن باز می‌شود، زن با یک حملهٔ برق‌آسا ضربه‌ای بر پای یکی از سربازان وارد



سبب همدلی در سطح ملی خواهد شد و این امکان را نیز فراهم می‌سازد تا همگرایی منطقه‌ای به وجود آید. منطق هیچ انسانی علیه این مزیت نیست، چه رسد منطق دین. از همین رو، در افغانستان امروز که دچار واگرایی‌های فرهنگی و سیاسی است، تبدیل شدن جشن نوروز به یک مراسم ملی می‌تواند راهکاری برای همگرایی و آغاز بخشایش آشتی اجتماعی و پایان قهر در جامعه باشد.

نقش زنان در پیدایش و پایداری جشن نوروز چه بوده؟
حداقل ۷۰ درصد از فرهنگ آیین نوروزی تبارز استعداد، هنر و ارزش‌های مدنی و فرهنگی متمدنانه‌ی زنان در تاریخ بوده؛ اگر سفره‌ی هفت‌سین است، اگر جام نوروزیست، اگر دسترخوان و آیین نوروزیست، همه به دانش و خرد و ظرافت‌های هنری زنان برمی‌گردد.

نوروز بدون زنان مثل خانه‌ی بی‌چراغ است؛ این زنان هستند که تمام داشته‌های هنری، فرهنگی و مدنی خودشان را تبارز می‌دهند تا جلوه‌ی زیبایی از این جشن باستانی به دست آید. در آوان شکل‌گیری این جشن نیز نقش زنان همین‌گونه سازنده بوده است.

البته که در دوره نیاکان مان، در دولت جمشید و سپس یما این جشن باشکوه‌تر بوده؛ بحث جنسیت در آیین نوروز نیز وجود دارد، اما تفکیک جنسیتی نه، بلکه برابری و عدالت یک اصل است. نوروز بدون زنان شاید یک آیین کهن پنداشته شود ولی «نوه» نیست. اصلاً نوروز از زنان است، زنان بانی این جشن بوده و رهبری آیین نکوداشت نوروز را به عهده داشته‌اند. تمامی سلسله حکومت‌ها مثل پیشدادیان، صفویان، تیموریان، غزنویان، غوریان، یفتلی‌ها و کوشانیان که هشت صد سال سکه طلا ضرب زدند و تمدن ساختند و با ایجاد راه ابریشم بازرگانی را ترویج دادند، در همه‌ی این ادوار ما آیین نوروزی را می‌بینیم. نقش یک زن به عنوان ملکه و رهبر در این آیین همواره برجسته و در مقام سردمدار بازتاب یافته است. گوهرشاد بیگم و سلطان رضیه غوری و ترکان خاٚن را داریم که شهکارهای آنان تاریخ این سرزمین را رقم زده است. در این جشن بازی‌ها و نقش‌های هنری آفریده شده که سراسر در آن زن و مرد برابرند. این آیین‌هاست که به ما می‌فهماند تاریخ کهن تفکیک و برتری جنسیتی در خود نداشته، افراطیت علیه این گوهر باستانی و نادیده‌انگاشتن نقش عدالت و برابری و همگرایی نوروز ریشه و اعتباری در فرهنگ ما ندارد. رئیس بخش «فرهنگ مردم» در جشن ملی نوروز ۱۴۰۰ خورشیدی هم یک زن است که در برگزاری این جشن برجستگی نقش زنان را به نمایش می‌گذارد.

آیین نوروز با هنر زنان پیدا شد، رشد کرد و ماندگار می‌شود؛ از همین رو می‌گویم نوروز ابتکار زنانیست که تاریخ‌ساز و تمدن‌ساز بودند و اینک پاسبان و میزبان این جشن باستانی‌ست.

لشکریان امیر جزاژهٔ او را روی زمین می‌کشند و رها می‌کنند. پس از این درگیری، لشکریان امیر از منطقه کوچ می‌کنند و مردم منطقه، فردای نبرد بر روی تپه‌ای در بلندای قریهٔ کوشهٔ پیدگه، تاج‌بیگم را به خاک می‌سپارند و بر مزار او پرچم سبز رنگی نصب می‌کنند.

مردم محل هر سال در بهار به زیارت مزار تاج‌بیگم می‌آیند و او را زیارت و میعادگاه می‌سازند. پس از سال‌ها و کوچ کردن بسیاری از مردم منطقه و آوارگی مدام مردم هزاره در اثر ظلم و مالیات سنگین شاهان کابل، سرانجام داستان تاج‌بیگم به فراموشی سپرده می‌شود و مردم زیارت او را زیارت «خاک‌سید» می‌نامند و برای دعا، نذر و خیرات به زیات مزار تاج‌بیگم می‌روند که دیگر تبدیل به خاک‌سید یا امام‌زاده شده بود.

امروزه، قبر تاج‌بیگم بر روی تپه‌ای در میانهٔ کوشهٔ پیدگه قرار دارد و مردم قبر او را به عنوان قبر سید و مازار (مزار) زیارت می‌کنند و نمی‌دانند که این خاک‌سید، مزار تاج‌بیگم شهید است.

- **منبع**

این روایت را مرحوم ملا خادم حسین نوجوی، یکی از بزرگان و تحصیل‌کردگان پیدگه جاغوری از قول مرحوم حاجی احمد علی بوم پیدگه روایت می‌کرد. حاجی احمد علی از بزرگان جاغوری و روایت‌گر تاریخ شفاهی منطقه بوده است. به کمک ایشان نزدیک به سی سال پیش «نسب‌نامهٔ مردم پیدگه» درست شده است. ملا خادم حسین این روایت را در پیش مسجد پیدگه هنگامی که کتاب «پراکنده‌های در باد» را به ایشان دادم، با ترس با من بیان کرد و تأکید کرد که به خاطر اعتقادات مردم و احترام مردم به خاک‌سید (مزار) نباید با کسی دیگری گفته شود. ایشان می‌گفت که پیشینیان منطقه، این روایت را می‌دانستند و به خاطر اعتقادات مردم و ترس از تکفیر شدن، در جمع بیان نمی‌کردند. از آن جایی که سال‌های زیادی است مزار تاج‌بیگم به عنوان مزار خاک‌سید شناخته شده است، کسی روایت کهن این مزار را به یاد ندارند و اگر کسی هم به یاد داشته باشد، افسانه و قصه می‌خوانند. من هم به خاطر اعتقادات مردم، ترس از تکفیر شدن و اذیت شدن خانواده‌ام، سال‌های زیادی توان نوشتن نیافتم و امسال نوشتم؛ زیرا زندگی آدمی کوتاه است و آدمی مسئول در برابر آگاهی خود است. همین گونه در کابل در اکادمی علوم افغانستان در مورد وقایع هزارستان این روایت را بدون جزئیات دیدم که نوشته بود که زنی در مسیر انتقال اسیران دای‌چوپان به لشکر امیر عبدالرحمان حمله می‌کند که اسیران را رها کند و پس از نبرد توسط سربازان کشته می‌شود.

امید دارم که مزار تاج‌بیگم ساخته شود و از مظلومیت و گمنامی برآید.



۳ سال چهارم / شماره ۱۳۳ / چهارشنبه / ۲۷ حوت ۱۳۹۹

در سالی که گذشت

وضعیت رو به بهبود زنان جهان و حذف هدفمند زنان افغانستان



● **غیله احمدی**

گزارشگر

● هر چند آغاز سال شمسی جهان شاهد قرنطینه سرتاسری بود و در این مدت آمار خشونت خانگی علیه زنان در شماری از کشورهای جهان افزایش قابل ملاحظه‌ای داشت اما با مدیریت بحران کشورهای متبوعشان، این مشکل به زودی کمرنگ شد، بررسی دیگر وقایع خبری نشان می‌دهد که رهبران زن کارنامه درخشانی از رهبری کشورهایشان در دوره قرنطینه و مدیریت بحران کرونا بر جای گذاشتند. خبرها از نقاط مختلف جهان حاکی از بهبود وضعیت زنان در عرصه‌های شغلی و حقوق و آزادی‌هایشان بود اما زنان افغانستان در سالی که گذشت، بی‌سابقه‌ترین خشونت‌ها را نسبت به ۱۹ سال گذشته تجربه کردند. در همین سال تهدیدهای فزاینده و ترورهای هدفمند برای خفه کردن صدای زنان از ترور زنان فعال در رسانه‌ها و نهادهای عدلی و قضایی گرفته تا منع آوازخوانی دختران بالای ۱۲ سال در مکاتب و نگرانی‌ها از معامله حقوق و آزادی‌های زنان در میز مذاکرات صلح با طالبان که هنوز یکی از دغدغه‌های مهم زنان است، بخشی از این خشونت‌ها را شامل می‌شود. نشریه نیم‌رخ به بخشی از این رویدادها اشاره کرده است.

● **افغانستان؛ سرود در میان ترور و خون**

سال ۱۳۹۹ با شیوه ویروس کرونا در سراسر جهان آغاز شد، در دوره‌ی قرنطینه‌ی ویروس کرونا مسلح خشونت علیه زنان افزایش داشت. در شش ماه اول سال ۱۳۹۹ که دوره قرنطینه و وضعیت اضطراری کرونا بود ۲۵۸۲ قضیه خشونت علیه زنان در وزارت امور زنان در افغانستان ثبت شد.

اهدای جوایز ویژه زنان شجاع از طرف وزارت خارجه آمریکا به مناسبت هشت مارچ به فاطمه خلیل، کارمند سابق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، شرمیلا فروغ، رئیس پیشین بخش جنسیت ریاست امنیت ملی، مریم نورزاد، پرستار، فاطمه رجبی، افسر پیشین پولیس، فرشته، افسر پیشین پولیس در اداره امور زندان‌ها در قندهار، ملاله میوند، فعال حقوق زن و گرداننده تلویزیون خصوصی انعکاس در ننگرهار و فرشته کوهستانی، فعال حقوق زن در کاپیسا به صورت مجازی در واشنگتن برگزار شد.

تمام این زنان در افغانستان ترور شدند.

وزارت معارف حضور دختران بالاتر از سن ۱۲ سال در گروه‌های سرودخوانی ممناعت کرد و اعلام کرد از این به پس دختران نمی‌تواند در محفل‌ها سرود بخواند.

همزمان با مذاکرات صلح حکومت با طالبان، جمعی از زنان افغانستان کارزاری را تحت نام «روایت زنامه» در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کردند، هدف از این کارزار همصدایی زنان شهرنشین و روستایی برای دادخواهی از حقوق انسانی آن‌ها گفته شده است.

افغانستان برای اولین بار عضویت کمیسیون امور زنان سازمان ملل متحد را دریافت کرد. افغانستان برای یک دوره چهار ساله از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ میلادی، عضو این کمیسیون خواهد بود. هند و چین نیز برای به دست آوردن عضویت در این کمیسیون با یکدیگر رقابت کردند اما فقط هند توانست آرای لازم را برای عضویت در کمیسیون امور زنان ملل متحد بدست آورد.

● **جهان؛ آغاز خشونت‌بار و سرانجام خوشایند**

در سطح جهان بسیاری از دولت‌ها اعلام کردند که آمار خشونت خانگی در دوران قرنطینه افزایش داشته است. به صورت نمونه در فرانسه در هفته اول اعمال محدودیت خروج از خانه آمار خشونت خانگی تا یک سوم افزایش داشت. به گزارش کمیسیون ملی حقوق زنان هند، در هفته اول ممنوعیت خروج از خانه در این کشور، آمار خشونت خانگی دوبرابر شد. بر اساس تحقیقات میدانی در ترکیه که بین سوم تا هشتم اپریل انجام شد، در این کشور نیز خشونت از جانب مردان در خانه افزایش چشمگیری یافت. این پدیده به حدی فراگیر شد که آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل به‌شدت از آن انتقاد کرد و از تمامی دولت‌ها خواست برای جلوگیری از گسترش خشونت‌ها اقدام کنند.

بررسی‌های جهانی نشان داد: در کشورهایی که رهبران آن خانم بودند، در مبارزه با ویروس کرونا موفق‌تر بودند. خانم جاسیندا آردرن، نخست وزیر نیوزیلند، انگلا مرکل، صدراعظم آلمان و شیخ حسینه واجد، نخست وزیر بنگلادش از جمله این رهبران موفق محسوب می شوند.

برای اولین بار در تاریخ ایالات متحده آمریکا یک زن سیاه پوست معاون رئیس جمهور امریکا، کامالا هریس، اولین معاون رئیس جمهور زن در این کشور محسوب می‌شود.

رئیس‌جمهور میانمار خانم آنگ‌سان سوچی توسط کودتایی از ریاست‌جمهوری حکومت برکنار شد و ارتش حاکمیت آن کشور را برعهده گرفت.

برداشتن برخی از قیودات در کشور عربستان سعودی بود. در این کشور زنان اجازه داده شد که رانندگی کنند. نمایشگاه مد لباس با همکاری طراحان عربستانی و بلژیکی در ریاض، سفارت بلژیک برگزار شد.

وزارت خارجه امریکا به مناسبت روز زن به بیست زن مدال

شجاعت داد. این زنان برای حقوق بشر، ایجاد عدالت و برابری

جنسیتی و بهبود زنان در جامعه کار کردند.

فرانسه از حضور زنان با بدن برهنه در سواحل دفاع کرد. این در حالی است که چند روز پیش، چند مامور پلیس، زنان را از این کار

ممانعت کرده بود.

برای اولین بار بعد از چند دهه، زنان روسی توانستند محدودیت اشتغال به کار در این کشور را از بین ببرند. زنان روسی کنترل

قطارهای شهری را برعهده گرفتند.

دادگاهی در مصر حکم زندان دو زن را به جرم به اشتراک گذاشتن «ویدئوهای منافی عفت» در شبکه اجتماعی تیک‌تاک

که سال گذشته صادر شده بود لغو کرد.

متأسفانه وضعیت چنین نشد که ما فکر می‌کردیم بعد از آن ما شاهد چندین محکمه صحرایی ازطرف طالبان بودیم و قتل های متعدد زنان از سوی خانواده های شان. شاید عده ای کوشش کنند که روند رسیدگی به دوسیه های خشونت و تبعیض جنسیتی در قبال زنان را مختل بسارند و یا به تعویق بندازند اما هیچ وقت نمی‌توانند که مانع برای رسیدن ما به آرمانهای ما و یا مانع برای احقاق حق زنان باشند. من باور دارم که عدالت هیچ وقت دفن نمی‌شود.

● **پلیس نگران امنیت من در تئاتر بود**

لینا علم: هدف من به عنوان یک انسان و یک زن از اجرای آن تئاتر فقط دادخواهی برای فرخنده بود که به گونه‌ی بی‌رحمانه‌ای او را کشتند. تعدادی از آقایان، حاضر به اجرای تئاتر فرخنده با من نشدند و نخواستند در نمایش با من همکار باشند. از اینرو من از همکارانم که در سریال شیرین با من بودند، خواهان همکاری شدم و نمایش را اجرا کردیم. نهادهای امنیتی و پلیس به من می‌گفتند که این کار را نکنم؛ چون به ریسک‌پذیری و خطر آن نمی‌ارزد، اما برای من هیچ یک از این محدودیت‌ها و نگرانی‌ها مهمتر از دادخواهی نبود، من مصمم بودم که هر اتفاقی می‌خواهد بیفتد، من این دادخواهی را انجام می‌دهم و باید فاجعه قتل فرخنده پیگیری می‌شد. مبارزات در جوامع سنتی و بخصوص در افغانستان کار ساده و آسان نیست و ما انتظار این را نیز نداریم که به زودی شاهد تغییرات گسترده باشیم، یگانه راه تغییر این است که فعالین از دادخواهی برای آزادی و عدالت خسته نشوند و روحیه مبارزاتی نسل به نسل ادامه پیدا کند.

● **عدالت برای فرخنده تطبیق نشد**

شینکی کروخیل: من عضو هیات حقیقت‌یاب بودم چیزی که برای ما مهم بود این بود که تعدادی از نیروهای پلیس و کسانی که متهم به دست داشتن در قتل فرخنده بودند، دستگیر شده بودند.

آن چیزی که من متوجه شدم این بود که پلیس بسیار از قانون بی‌خبر بود و بخاطر اتهام‌زنی مردم به این نتیجه رسیده بود که فرخنده، قرآن را آتش زده است، بی‌خبر از اینکه عملشان یک جرم بزرگ بود. پلیس نمی‌دانست وظیفه‌اش چه است. پلیس باید فرخنده را از دست حمله‌کنندگان نجات می‌داد، حتی اگر مجرم بود، باید مطابق قانون مجازات می‌شد.

بی‌خبری از قانون توسط پلیس یک جرم نابخشیدنی بود و باید نیروهای پلیسی که در زجرکش کردن فرخنده به وظیفه خود عمل نکرده بودند، مجازات می‌شدند تا فرصت محکمه صحرایی برای عده‌ای از مردم فراهم نمی‌شد. بعد از آن هم زنان فعال حقوق بشر اعلام کردند که عدالت برای فرخنده تطبیق نشد. حتی ۷ نفری که مردم را تحریک کردند و فرخنده را کشتند، باید مجازات می‌شدند.

شیمیا رضایی، از اولین زنان رسانه‌گر در افغانستان بود که سه سال بعد از تشکیل حکومت پساتالبانی در شبکه تلویزیونی طلوع مشغول به کار بود. دختر ۲۴ ساله‌ای که در جامعه بعد از امارت و ذهنیت‌های برج‌مانده از آن دوره و جامعه در حال شکل‌گیری دموکراتیک، نمادی از حضور زن در رسانه‌ها بود. در حالیکه افراط‌گرایان مذهبی به فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی در افغانستان حمله می‌کردند و تلویزیون‌ها به تازگی صدای زنان را پخش می‌کردند، شیمیا مورد تهدید گروه‌های افراط‌گرا بود تا از کارش در تلویزیون استعفا دهد. تهدیدها به حدی افزایش یافت که دست‌اندرکاران تلویزیون، وی را از کار برکنار کرد و شیمیا خانه‌نشین شد، اما در دوره خانه‌نشینی نیز افراط‌گرایان وی را به ضرب گلوله در خانه‌اش کشتند. دو سال بعد دو خبرنگار زن در کابل نیز بعد از تهدید، کشته شدند.



لینا علم، بازیگر تئاتر، زجرکش کردن فرخنده را به نمایش می‌گذارد

آیا عدالت برای زنان افغانستان با فرخنده دفن شد؟

● حدود ۵ سال پیش در شب سال نو خورشیدی، دختر جوانی در نزدیک مسجد شاه دوشمشیره توسط صدها مرد خشمگین زجرکش شد، این در حالی بود که ماموران نه تنها، فرخنده را مورد حمایت قرار ندادند بلکه برای کشتن فرخنده با مردان در صحنه همکاری کردند. این فاجعه ای بود در مرکز شهر کابل که صدای اعتراض هزاران زن و مرد را در سراسر افغانستان بلند کرد. زنان فعال مدنی سلسله اعتراضاتی را علیه این توحش جمعی سازماندهی کردند. برخی از رسانه‌ها و صاحب‌نظران از اقدامات اعتراضی زنان بعد از این حادثه به عنوان نقطه عطفی در مبارزات زنان افغانستان علیه خشونت دانستند، اما مادر فرخنده با انتقاد از رسیدگی نشدن به پرونده فرخنده اعلام کرد که عدالت برای زنان افغانستان برای همیشه با فرخنده دفن شد. هفته نامه نیم‌رخ به مناسبت سالگرد آن حادثه، نظر تعدادی از زنانی که در اعتراضات و پرونده قتل فرخنده نقش داشتند، را پرسیده است.

● **تابوت فرخنده، تابوت من و صدها زن بود**

منیره یوسف‌زاده: وقتی زیر تابوت فرخنده را گرفته بودم حس

یادی از اولین قربانی آزادی بیان در افغانستان

خاطرات یک خبرنگار زن

زندگی روی جاده پراز ماین

● بیست و هشتم حوت در افغانستان به عنوان روز ملی خبرنگار ثبت تقویم شده است. اما روزگار خبرنگاران به ویژه خبرنگاران زن در کشور، جدال میان مرگ و زندگی است. هشت سال است که من در کابل زندگی می‌کنم. مدتی به عنوان معلم کار کردم و بخاطر انگیزه‌ای که داشتم وارد رسانه شدم. اواخر سال ۲۰۱۵ میلادی بود که به عنوان عکاس خبری در رادیو سلام وطندار آغاز به کار کردم. اولین انگیزه‌ام این بود که عکاسی را به صورت حرفه‌ای کار کنم ولی بعد از یک هفته عکاسی در بخش خبر رفتم. سپس در بخش‌های مدیریت تولید برنامه نیز کار کردم.

دلم می‌خواست، تمام ولایات را بگردم و عکاسی کنم. مادر مجرد بودن چالش‌های زیادی برایم به وجود آورد که باعث شد در حیطة‌ی بسته‌تری فعالیت کنم و از بسیاری برنامه‌هایم چشم‌پوشم.

حدود پنج و نیم سال با سلام وطندار کار کردم و به خبرنگاری علاقه زیادی داشتم. زمانی که وارد رسانه شدم احساس کردم که با روحیاتم همخوان است. زندگی من یک بعد فردی و یک بعد اجتماعی دارد. من بخشی از روز را در ده ساعت در جامعه هستم و باعث می‌شود با خیلی چیزها در ارتباط باشم. چون کار خبرنگاری بسیار پر چالش است و سطح ارتباطات یک خبرنگار بسیار زیاد است، فردیت‌مان اندکی در حاشیه می‌رود و ما بیشتر بر کار شغلی‌مان که بعد اجتماعی دارد، متمرکز می‌شویم. به طور نمونه: در ابتدای سال تا به امروز که ویروس کرونا همه‌گیر شده و جنگ هر روز ده‌ها انسان را به کام مرگ می‌کشاند، خیلی‌ها گوشه انزوا اختیار می‌کنند تا در امان باشند ولی ما مجبوریم در ساحه بیابیم و کار کنیم؛ ما از میدان‌های نبرد و وضعیت کرونا گزارش می‌دهیم.



● **کے معصومه جعفری، روزنامه‌نگار**

به عنوان یک خبرنگار زن که در فضای کنونی افغانستان برای دسترسی مردم به اطلاعات کار می‌کنم، می‌خواهم بگویم این وضعیت بزرگترین چالش است. اینکه تو یک خانم هستی، یک خبرنگار هستی و در محیط جنگ زندگی می‌کنی؛ در روزگاری که زنان خبرنگار یکی پس از دیگری به گونه هدفمند ترور می‌شوند، کار ما را بیش از گذشته استرس‌زا کرده است.

رخ دیگر زندگی من بعد فردی است. زنی هستم که با یک بچه ده ساله در کابل زندگی می‌کنم. گاهی اوقات مشکلات و اندازه‌ای زیاد می‌شود که فکر می‌کنم که وطن را ترک کنم. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم که انزوا اختیار کنم. بعد از اینکه شیوع ویروس کرونا شدت پیدا کرد، از کار قبلی‌ام استعفا کردم و بیشتر از شش ماه در خانه بودم. من نمی‌توانستم استرس کرونا را به ویژه اینکه پسرم در معرضش باشد، تحمل کنم. با تمام این چالش‌ها باید حرکت هم داشته باشی، اما قرنطینه ناشی از کرونا همه را خانه‌گیر کرده بود.

تنها کرونا نه، بلکه جنگ و فشارهای روانی ناشی از وضعیت بد امنیتی در کشور بسیاری از کارمندان نهادها و فعالان جامعه را خانه‌گیر کرده است. حتا کارمندان نهادهای خارجی و موسسه‌ها تا حد ممکن به صورت غیرحضورى از خانه کار می‌کنند. این سطحی از تهدیدها و فشار روانی بسیار وحشتناک است.

جامعه خبرنگاری به صورت مستقیم مورد هدف حملات قرار می‌گیرند. حدود سه سال پیش خانم محرم درانی همکار ما در سلام وطندار کشته شد. کشته شدن او و سپس خواهرزاده‌ام تأثیر ناگواری بر من گذاشتند. از همین جهت، می‌گویم در افغانستان کسی وجود ندارد که از این وضعیت بد متأثر نشده باشد. بعد از انفجار در گردهمایی جنبش روشنایی در



● صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: فاطمه روشنیان

● سردبیر و ویراستار: مریم شاهی / گزارشگران: حسین احمدی، لطفه موسوی و جمیله احمدی

● عکاس: حمیده مهردل / ترجمه: حافد عظیم‌پار / صفحه‌آرا: اسماعیل لعلی

● چاپ: مطبعه آسیا / توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

● به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.

پیوند زن و نوروز

(بررسی نوروز در افغانستان، تاجیکستان و ایران)



زن در قوانین
موضوعه افغانستان

دریافت حق الزحمه کارهای خانه برای زنان خانه‌دار

● معصومه عبداللہی

استاد دانشگاه



● زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه، بخش عظیمی از اوقات خود را صرف انجام کارهای خانه و تربیت اطفال خود می‌کنند و همین امر باعث می‌شود تا قسمت عظیمی از نیرو و پتانسیل آن‌ها مصروف این امر مهم گردد و در نهایت نتوانند در بیرون از خانه مانند مردان حضور داشته و درآمد مستقل داشته باشند و چه بسا همین امر باعث وابستگی زنان به لحاظ مالی به شوهرانشان می‌گردد و زمینه عدم استقلال زنان را فراهم می‌کند، حال مسئله مهمی که مطرح می‌گردد این است که زنان در قبال وقت و انرژی که برای سروسامان دادن به امور منزل و اطفال خود صرف می‌کنند، حمایت می‌شوند یا خیر؟

در ارتباط با اجرت‌المثل (حق‌الزحمه) انجام کارهای خانه توسط زن، مثل: آشپزی، نظافت خانه و نگهداری طفل و شیر دادن به طفل، قانون مدنی افغانستان مقرر خاصی ندارد و به نظر می‌رسد علت سکوت قانون مدنی نیز عرف موجود در جامعه افغانستان بوده که برای زنان چنین حقی را به رسمیت نمی‌شناسند. قانون

حقوقی در اکثر کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی زنان خانه‌دار از حقوقی چون دریافت مستمری ماهانه از طرف همسران خود یا دولت و بیمه عمر و از کارافتادگی و همچنین مشارکت در معاش همسر خود برخوردار هستند؛ به عنوان مثال در کشورهای هند و مالزی مردان موظف هستند، برای همسر خود حسابی جداگانه باز نموده و ماهیانه در آن مبلغی را واریز نمایند و یا در کشور کانادا، دولت از مادران اطفال حمایت نموده و مقرری ماهیانه به حساب آنها واریز می‌کند.

عده طلاق رجعی (طلاق که شوهر در آن می‌تواند به زن رجوع نماید) حق دریافت اجرت حضانت و شیردادن طفل خود را ندارد و فقط بعد از طلاق و در صورتی که طفل شیرخور باشد، حق مطالبه اجرت‌المثل شیردادن و نفقه طفل خود را دارد.

این در حالی است که در اکثر کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی زنان خانه‌دار از حقوقی چون دریافت مستمری ماهانه از طرف همسران خود یا دولت و بیمه عمر و از کارافتادگی و همچنین مشارکت در معاش همسر خود برخوردار هستند؛ به عنوان مثال در کشورهای هند و مالزی مردان موظف هستند، برای همسر خود حسابی جداگانه باز نموده و ماهیانه در آن مبلغی را واریز نمایند و یا در کشور کانادا، دولت از مادران اطفال حمایت نموده و مقرری ماهیانه به حساب آنها واریز می‌کند.

بنابراین در مورد این حق قانونی زنان خانه‌دار در افغانستان باید بیان داشت، بر مبنای قاعده حقوقی «استیفا از عمل غیر» استفاده از عمل و کار و زحمت انسان دیگر همیشه محترم بوده و شخص می‌تواند در قبال آن مطالبه مزد کند، اما با توجه به سکوت قانون‌گذار در مورد این مسئله و رجوع به عرف و رویه معمول در افغانستان که انجام کارهای خانه از وظایف زن محسوب می‌شود و رویه قضایی محاکم نیز که در این مورد سکوت است، زنانی که می‌خواهند از این حق خود بهره‌مند شوند، آن را در ضمن شرط ضمن عقد شرط کنند و پارلمان کشور نیز با اصلاح قوانین مربوط به خانواده یا تصویب قانون خاص حمایت از زنان به این حق زنان توجه ویژه کنند.

مهمانانشان پذیرایی کنند. مردم تاجیکستان در حافظه تاریخی خود روزگاری را بخاطر می‌آورند که تاجیکستان از جمهوری‌های تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی سابق بود و شوروی برای محو نوروز از هویت جمعی آن‌ها برنامه‌هایی را روی دست گرفته بود و گرفتن جشن نوروز ممنوع بود، اما اندکی بعد از رسمیت یافتن تاجیکستان از سلطه شوروی، نوروز بار دیگر در این کشور رسمیت یافت.

● آدونیس خدای زن، ایران

در نوروز، زن نماد زایش و رویش و تولد دوباره است. آدونیس ایزد گیاهان است و نمادی از زنانگی و زایش طبیعت است. بین نوروز، یعنی نو شدن هستی و بین نیروهای مادینه‌ی هستی، ارتباط عمیق و تنگاتنگ وجود دارد. ناهید توسلی، نویسنده ایرانی بین عقیده ایرانیان درباره زایش و نو شدن در نوروز با ویژگی خدای زن، آدونیس پیوند برقرار کرده است. نقش زنان ایرانی در گستراندن خوان نوروزی و خانه‌تکانی همچون زنان هم‌فرهنگ در افغانستان و تاجیکستان است. تعدادی از پژوهشگران ایران معتقدند که جشن نوروز یک عید بزرگ دیرینه زنانه است، چون زنان مسئولیت اصلی برگزاری این جشن را برعهده دارند. سفره نوروزی ایرانیان هفت سین است که تا قبل از ورود اسلام به ایران، هفت سین بود.

چهارشنبه اول سال نو، روز «چهارشنبه مراد» برای زنان محسوب می‌شود، در این روز فقط زنان می‌توانند در روضه سخی بیایند و مردان حق داخل شدن به روضه را ندارند. (چند سالی است این رسم از بین رفته است). افغانستان کشور آیین‌های نوروزی است، میله گل سرخ فقط به روز اول سال نو محدود نمی‌شود، بلکه میله‌های نوروزی بعد از مزار در کابل نیز در جریان است؛ مانند میله خواجه صفا، جشن ارغوان و... در کنار جشن‌های رسمی، زنان چند روز قبل از نوروز، هفت‌میوه برای پذیرایی از مهمانان آماده می‌کنند.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تا نیم قرن پیش میله گل سرخ، در آسیای میانه بخصوص در بخارا، خجند و تاشکند و سمرقند به نام «سیر گل سرخ» رواج داشته است.

● ملکه نوروز، تاجیکستان

نوروز در تاجیکستان با آیین‌های نمایشی رنگی دیگر دارد. نمایش «پدر دهقان و ملکه نوروز» نویدبخش جشن‌های نوروزی در این کشور است. در نوروز زنان و دختران پیراهن‌های رنگارنگ می‌پوشند. زنان در این عید غذاهای مخصوص نوروز می‌پزند و دختران جوان به رقص و آوازخوانی می‌پردازند. زنان تاجیکی، در سفرهای عید شهید، شیر، شیرینی، شکر ناب، شمع، شمشاد و شقایق می‌گذارند تا با هفت‌سین از

● زنان در بیشتر اعیاد سال بخصوص عید نوروز، نقش برگزارکنندگان این عیدها را برعهده داشته‌اند. وقتی مردان خسته از روزهای کاری در انتظار روزهای رخصتی و عیدها هستند تا خستگی کار را بدر کنند، زنان در همان روزهای استراحت مردانشان، پرمشغله ترین روزهای کاری را که شامل خانه‌تکانی، پخت و پزهای عیدی و چیدن سفره‌های عیدی و پذیرایی از مهمانان است، را برعهده دارند اما این تنها نقش زنان در جشن نوروز نیست. ناگفته پیداست که روزهای سال نو و برپایی جشن نوروز بدون نقش زنان تا هزاران سال نمی‌توانست دوام پیدا کند. زنان دوام دهنده و قوام بخش جشن نوروز در گستره جغرافیای شرقی است. هفته‌نامه نیم‌رخ در سه کشور هم‌زبان و هم‌فرهنگ افغانستان، تاجیکستان و ایران، نقش زنان را در برپایی نوروز بررسی کرده است.

● پیوند عشق زنانه با نوروز، افغانستان

نوروز با شعر «ملا محمدجان» پیوند دیرینه دارد. این شعر براساس یک رویداد تاریخی در افغانستان است. دختر جوانی که دل‌باخته ملا محمدجان است و از او می‌خواهد که با هم در جشن نوروز به مزار بروند و در پای روضه سخی برای رسیدن به وصال یکدیگر دعا کنند. این اشاره به مراسم نوروز در این شهر تاریخی می‌کند که شامل میله گل سرخ است. به همین مناسبت روز

کارزار سکوت را بشکنیم

یکی از مخاطبان نیم‌رخ

شبی که خواهرم سکوتش را شکست

● صنف سوم مکتب بودم و با خواهران بزرگترم یکی از اتاق‌های خانه کرایه‌ای مان قالدین می‌افتم. خانه متعلق به شوهر عمه‌ام بود. گاهی شوهر عمه‌ام به بهانه‌های مختلف به اتاق ما سر می‌زد. در آن اتاق من و دو خواهر بزرگترم تنها بودیم که هر کدام به سن بلوغ رسیده بودیم. هر بار آمدن شوهر عمه‌ام به اتاق ما با شوخی‌هایی همراه بود. البته شوخی‌هایش برای ما تازگی نداشت ولی کم‌کم نحوه شوخی کردن‌های او از حالت طنز کلامی به دست انداختن و هل دادن و در یک کلام به شوخی‌های فیزیکی رسیده بود. شوهر عمه‌ام ظاهراً کاری به کار من که از همه کوچکتر بودم، نداشت اما خواهر بزرگم که آنوقت چهارده ساله بود، از این وضعیت ناراحت و معذب بود، طبیعتاً نمی‌توانست در برابر شوخی‌های فیزیکی یک مرد مقابله کند، ولی از آنجایی که شخصیت برون‌گرایی داشت، ناراحتی‌هایش را هیچ‌گاه پنهان نمی‌کرد. یک شب که شوهر عمه‌ام به خانه ما آمده بود، خواهرم در پیش پدرم که آنوقت بیمار بود.

در حالیکه گریه می‌کرد، از رفتارهای شوهر عمه‌ام گله و شکایت کرد. آن شب پدرم به شدت عصبانی شده بود و از آنجایی که بخاطر بیماری نمی‌توانست از رختخواب بلند شود، از شوهر عمه‌ام خواست که از خانه ما برود. بعد از آن شوهر عمه‌ام برای مدتی طولانی به عمه‌ام اجازه آمدن به خانه ما را نمی‌داد تا اینکه یک روز عمه‌ام که آنوقت زن جوان و زیبایی بود، به خانه ما آمد و از خواهرم گله کرد که چرا شوخی شوهرش را به پدرم اطلاع داده و زمینه دلخوری و ناراحتی دو خانواده را بوجود آورده است. از آن ماجرا سال‌های زیادی گذشته است و امروز وقتی به یاد آن ماجرا می‌فتم با خودم فکر می‌کنم که اگر خواهرم سکوت کرده بود و هیچ‌گاه حرفی نمی‌زد، سکوتش نه تنها حاشیه امنی برای آزارگری و تعرض به خواهرم بلکه برای دیگر دختران خانواده بوجود می‌آورد.

● حسین رضایی

کار تونست

